تصویر ابو عبد الرحمن الکردی



کتاب پرسش‌ها برای بچه‌ها



گریگوری استاک



شهره عبداللهی

سلسله انتشارات

نشر قطره ـ ۱۰۷۲

کودک و نوجوان ـ ۶





نشر قطره   نشر هنوز

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Kids' Book of Questions

Gregory Stock, Ph.D.

Workman Publishing

سرشناسه:	استاک، گریگوری	Stock, Gregory
عنوان و نام‌پدیدآور:	کتاب پرسش‌ها برای بچه‌ها / گریگوری استاک؛ ترجمه‌ی شهره عبداللهی (قراچه‌داغی)	
مشخصات ناشر:	تهران: نشرقطره، ۱۳۸۵	
مشخصات ظاهری:	۹۲ ص.	
فروست:	سلسله انتشارات نشرقطره؛ ۱۰۷۲. کودک و نوجوان؛ ٦	
شابک:	978-964-341-632-4	
وضعیت فهرستنویسی:	فیپا	
یادداشت:	عنوان اصلی:	The Kids' Book of Questions, c 2004
موضوع:	کودکان ـ راه و رسم زندگی ـ مسائل متفرقه	
شناسه‌ی افزوده:	عبدالهی (قراچه‌داغی)، شهره، ۱۳۳۳ ـ ، مترجم.	
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۵ ۲ ک ۵ الف / ١٦٣١ BJ	
رده‌بندی دیویی:	۱۷۰/۸۳۴	
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۳۲۰۹٦ ـ ۸۵ م	

شابک: ۹۷۸ـ۹۶۴ـ۳۴۱ـ۶۳۲ـ۴ ISBN: 978-964-341-632-4

کتاب پرسش‌ها

برای بچه‌ها

دکتر گریگوری استاک

ترجمه‌ی

شهره عبداللهی (قراچه‌داغی)



کتاب پرسش‌ها برای بچه‌ها

دکتر گریگوری استاک

ترجمه‌ی شهره عبداللهی (قراچه‌داغی)

چاپ اول: بهار ۱۳۸۹

لیتوگرافی: طاووس‌رایانه

چاپ: سارنگ

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

بها: ۲۰۰۰ تومان

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۳ ـ دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

۸۸۹۵۶۵۳۷ و ۸۸۹۵۲۸۳۵ و ۳ـ۸۸۹۷۳۳۵۱

صندوق پستی ۳۸۳ ـ ۱۳۱۴۵

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

مقدمه

بیشتر سؤال‌هایی که در مدرسه از شما می‌پرسند، دارای پاسخ‌های درست و غلط هستند: چه کسی ماشین بخار را اختراع کرد؟ پایتخت کشور ایتالیا کجاست؟ پنیر آبی را چه‌طور درست می‌کنند؟ و... این‌گونه سؤال‌ها پاسخ‌هایی دارند که همیشه می‌توانید آن‌ها را در کتاب‌ها و اینترنت پیدا کنید، بنابراین آن‌قدرها مهم نیست اگر گاهی پاسخ‌ها را ندانید.

سؤال‌های مطرح شده در این کتاب پاسخ‌هایی دارند که نمی‌توانید آن‌ها را جایی پیدا کنید، چون مربوط به شما هستند. این‌که بدانید چه کسی هستید و به چه چیزهایی اعتقاد دارید اهمیّت زیادی دارد، بنابراین

خوب در خودتان نگاه کنید و پاسخ این سؤالات را بیابید. این یک امتحان نیست، در نتیجه جواب یکسانی برای افراد ندارد. در این‌جا جواب درستی وجود ندارد ــ بلکه فقط باید جواب‌ها صادقانه باشند ــ و شما تنها کسی هستید که واقعاً می‌دانید چه‌قدر در جواب دادن صادق بوده‌اید. در پاسخگویی صادق باشید و به‌دنبال جلب رضایت دیگران نباشید؛ به سؤالات طوری جواب بدهید که واقعاً احساس می‌کنید.

کتاب پرسش‌ها برای بچه‌ها مال بچه‌هاست، امّا کتابی نیست که سؤالات بچگانه در آن مطرح شده باشد. بعضی از سؤال‌ها تفریحی، و حتّی گاهی احمقانه هستند. امّا برخی نیز جدّی‌اند و روی مسائل سخت و پیچیده‌ای متمرکز می‌شوند که شما در دوران رشد خود با آن‌ها مواجهید. این سؤالات موضوعاتی را در رابطه با کنار آمدن با افراد صاحب اختیار، فهم و درک دوستی، روبه‌رو شدن با فشارهای اجتماعی، غلبه بر ترس‌ها، و تصمیم‌گیری در مورد این‌که چه چیزی درست است و چه چیزی غلط، مطرح می‌کنند. شما در طول زندگی خود با این مسائل و موضوعات روبه‌رو خواهید شد.

بزرگ شدن، این روزها کار آسانی نیست. بچه‌ها از مسائلی مثل طلاق، جنایت، مواد مخدّر، مسائل جنسی، خشونت و سایر مواردی که دست و پنجه نرم کردن با آن‌ها حتّی برای آدم‌های بزرگ هم ساده و راحت نیست، در امان نیستند. افراد خانواده، دوستان، معلّم‌ها و حتّی تلویزیون و سینما نصیحت‌های زیادی به شما می‌کنند؛ امّا افراد مختلف در مورد این‌که چه باید بکنید و یا نکنید چیزهای متفاوتی به شما می‌گویند: چه چیزی درست است؟ در چه هنگامی و کجا شما احساس می‌کنید با دنیا هماهنگی دارید؟ به چه کسی می‌توانید اعتماد کنید؟ و... بخش عمده‌ای از جریان رشد، یاد گرفتن این مطلب است که برای خودتان انتخاب کنید.

فکر کردن در مورد سؤال‌هایی مثل سؤال‌های این کتاب، راه خوبی برای تمرین است. وقتی شما از قوّهٔ تخیّل خود برای کشف و بررسی این مسائل سخت و پیچیده استفاده می‌کنید، می‌توانید از این موقعیت‌ها چیزهای زیادی یاد بگیرید، بدون این‌که در زندگی واقعی خود با آن‌ها مواجه شده باشید. بنابراین خودتان را در متن این سؤال‌ها قرار بدهید و وانمود کنید آن‌ها

واقعی هستند. وقتی می‌خواهید تصمیم مهمی بگیرید و به آن توجّه می‌کنید، در جریان تصمیم‌گیری به افکار، ایده‌ها و نظریات جدیدی دست پیدا می‌کنید که کاملاً متعلق به خودتان هستند. از این فرصت استفاده کنید و به‌جای مسائل روزمره‌ای که تاکنون ده‌ها و صدها بار در مورد آن‌ها حرف زده‌اید، به بحث و گفت‌وگو در مورد چیزهای مهّم بپردازید.

در مورد برخی از این سؤال‌ها باید وانمود کنید که نیروهای خارق‌العاده‌ای دارید یا در شرایط و موقعیت‌های عجیب و غیرعادی قرار گرفته‌اید. در رابطه با بقیهٔ سؤال‌ها باید گذشتهٔ خودتان را به‌خاطر بیاورید یا آینده‌تان را به تصویر بکشید. طوری با این سؤال‌ها رفتار کنید که انگار مسائل خود شما هستند. با آن‌ها بازی کنید، چیزی به آن‌ها اضافه کنید، تغییرشان بدهید، امّا سعی نکنید با فریب‌کاری راهی پیدا کنید که شما را از گرفتن تصمیم‌های سخت بی‌نیاز سازد، چون با این کار فقط و فقط خودتان را فریب می‌دهید. ضمناً به این سؤال‌ها تنها با کلمهٔ «بله» یا «نه» پاسخ ندهید و نگذارید دیگران هم این‌کار را بکنند. سعی کنید بفهمید چرا و به چه دلیل

این‌گونه احساس می‌کنید، و به دیگران هم بگویید که همین‌کار را بکنند، زیرا دلایلی که پشت جواب‌های هر فرد وجود دارند غالباً حتّی از خود جواب‌ها هم جالب‌تر هستند. بازی کردن با سؤال‌هایی نظیر این‌ها، کاری خنده‌دار و تفریحی است و از طرفی هم می‌تواند کمی ناراحت‌کننده باشد، چون گاهی‌اوقات اصلاً ساده نیست که شما به خودتان نگاه کنید و در مورد این‌که چه نوع آدمی هستید، چه می‌خواهید و به چه چیزی اهمیّت می‌دهید، فکر کنید. وقتی شما به سؤال‌های سخت و گیج‌کنندهٔ این کتاب برمی‌خورید و وقتی بعدها در دنیای واقعی با انتخاب‌های مشکل مواجه می‌شوید، صحبت کردن در مورد افکار و احساسات خود با دوستانتان می‌تواند کمک بسیار بزرگی به شما بکند. فقط این را به‌خاطر داشته باشید که آن‌چه باعث رشد انسان می‌شود، در اختیار داشتن پاسخ‌ها نیست، بلکه جست‌وجو برای یافتن پاسخ‌هاست که به رشد ما می‌انجامد.

تفاوت عمده بین سؤال‌هایی که در مورد چیزها و سؤال‌هایی که در مورد اشخاص مطرح می‌شود این است که تو هرگز نمی‌توانی با اطمینان بدانی سؤال‌های

شخصی به کجا خواهند انجامید. شاید برای همین است که سؤال‌های شخصی و خصوصی تا این اندازه جالب و تفریحی هستند. این کتاب روش خوب و ساده‌ای را در اختیار شما قرارمی‌دهد تا بتوانید موضوعاتی را مطرح کنید که همیشه می‌خواستید در مورد آن‌ها حرف بزنید امّا نمی‌دانستید چگونه مطرحشان کنید. از این فرصت کاملاً استفاده کنید و این سؤال‌ها را از خودتان، از دوستانتان و حتّی از بزرگترها بپرسید.

ابتدا از سؤال‌هایی که در این‌جا آمده شروع کنید و بعد سؤال‌های مشابهی را مطرح کنید که خودتان آن‌ها را ساخته‌اید. به‌زودی بحث و گفت‌وگوهای جالبی با دیگران خواهید داشت. من امیدوارم که این کتاب جدید به شما کمک کند تا ببینید مطرح کردن سؤال‌های فکربرانگیز می‌تواند تا چه اندازه شیرین باشد. این‌که یک سؤال کوچک می‌تواند شما را به کجاها ببرد، بسیار حیرت‌انگیز است. حالا این شما و این هم سؤال‌ها. موفق باشید و لذّت ببرید.

۱

اگر شما بر دنیا حکم می‌راندید و می‌توانستید هر چه را که می‌خواهید داشته باشید، فکر می‌کنید انسان پست و حریصی می‌شدید یا انسانی خوب و منصف؟

۲

فرض کنید یک روز پدر شما فکر عجیبی به سرش می‌زند. موهایش را سبز می‌کند و حلقه‌ای در بینی خود می‌اندازد. درحالی‌که می‌دانید همه او را نگاه می‌کنند و به قیافه‌اش می‌خندند، اگر از شما بخواهد با او به فروشگاه بروید، آیا این‌کار را می‌کنید؟

۳

اگر مادرتان قول داده باشد که ساعت دو به منزل برمی‌گردد و شما را به سینما می‌برد امّا تا شب برنگردد و حتّی تلفن هم نزند، چه تنبیهی برای او خوب است؟ فکر می‌کنید آیا تنبیه کردن او موجب می‌شود که در آینده به‌وعده‌هایش عمل کند؟

۴

اگر همهٔ دوستان نزدیک شما دلشان می‌خواست کاملاً صادق باشند و آن‌چه در مورد شما دوست دارند یا ندارند همه را به شما بگویند، آیا مایل بودید آن‌ها این‌کار را بکنند؟

۵

آیا بیشتر دوست دارید معلم سخت‌گیری داشته باشید که خیلی خوب درس می‌دهد و چیزهای زیادی به شما می‌آموزد، یا معلم خونسرد و بگوو‌بخندی که چیز زیادی به‌شما یاد نمی‌دهد؟

۶

آیا چیزهایی هست که وانمود می‌کنید دوست ندارید درحالی‌که واقعاً از آن‌ها لذت می‌برید ـ برای نمونه، این‌که پدر و مادرتان شما را ببوسند یا بخواهید که از خواهر کوچکترتان مراقبت کنید؟ اگر این‌طور است، چرا احساس خودتان را از دیگران مخفی می‌کنید؟

۷

وقتی اشتباهی می‌کنید، آیا سعی می‌کنید برای توجیه آن بهانه‌هایی از خودتان بتراشید؟ اگر این‌طور است، آیا فکر می‌کنید دیگران حرف‌های شما را باور می‌کنند؟

۸

اگر می‌توانستید سوار بر ماشین زمان به هر مسافتی از گذشته یا آینده که می‌خواستید بروید و بازگردید، بیشتر دلتان می‌خواست به کجا بروید؟

۹

اگر یکی از دوستان شما راز مهمّی داشته باشد که دلش نخواهد کسی چیزی در مورد آن بداند، آیا اگر رازش را به شما بگوید، اشتباه بزرگی مرتکب شده است؟

۱۰

اگر همهٔ افراد خانواده‌تان روز تولد شما را فراموش کنند، چه می‌کنید؟

۱۱

اگر پدر و مادر شما نگران مسئلهٔ مهمّی بودند که مستقیماً به شما مربوط نمی‌شد، آیا دوست داشتید این مسئله را به شما بگویند یا ترجیح می‌دادید در آن مورد چیزی ندانید؟

۱۲

اگر خواهر کوچکتری داشتید که به حدّ پرستش دوستتان داشت و سعی می‌کرد هر کاری که شما می‌کنید او هم بکند، چه رفتاری را در پیش می‌گرفتید؟ فکر می‌کنید پدر و مادرتان چه کارهایی را فقط به این دلیل انجام می‌دهند که شما از آن‌ها الگو بگیرید؟ آیا فکر می‌کنید کارهایی کرده باشند که نخواهند به شما بگویند چون نگران هستند مبادا شما هم از آن‌ها تقلید کنید؟

۱۳

از چه کسی بیشتر از همه بدتان می‌آید؟ به‌نظر شما بهترین خصوصیتی که آن شخص دارد چیست؟

۱۴

بعضی از بزرگترها نمی‌دانند خودشان را چه‌طور سرگرم کنند که لذّت ببرند. اگر از شما خواسته می‌شد در مورد نوع بازی و سرگرمی آن‌ها توصیه‌هایی بکنید، چه می‌گفتید؟

۱۵

آیا خاطرهٔ خاصّی از گذشتهٔ شما هست که آرزو کنید ای‌کاش فیلمی از آن می‌داشتید؟ آیا دلتان می‌خواست عکس‌ها و فیلم‌های بیشتری از دوران کودکی خود داشته باشید؟

۱۶

اگر فردا صبح از خواب بیدار می‌شدید و می‌دیدید معجزه‌ای رخ داده و شما بزرگ شده‌اید و خودتان صاحب فرزندی هستید، چه رفتاری ــ متفاوت با آن‌چه والدینتان با شما می‌کنند ــ با فرزندان خود در پیش می‌گرفتید؟

۱۷

آیا شده پشت میزی نشسته باشید و غذای بدمزه‌ای را برای خوردن در مقابلتان قرار داده باشند؟ اگر شده، بهترین ترفند برای خلاص شدن از این وضع، بدون این‌که گیر بیفتید، چیست؟

۱۸

اگر می‌توانستید برای مدّت یک روز نامرئی بشوید تا کسی شما را نبیند، آن روز چه کاری انجام می‌دادید؟

۱۹

آیا پیش آمده که به دلیل گفتن یک دروغ در وضع خیلی بدی قرار گرفته باشید؟ فکر می‌کنید اگر راستش را می‌گفتید چه اتّفاقی می‌افتاد؟

۲۰

اگر انتخاب ساعت خواب در سال آینده در اختیار شما بود، چه ساعتی را انتخاب می‌کردید؟

۲۱

به‌نظر شما زندگی برای پسرها آسان‌تر است یا برای دخترها؟

۲۲

وقتی از دست پدر و مادرتان دیوانه شده‌اید و می‌خواهید تلافی این مسئله را سرشان دربیاورید، بهترین ترفند برای این‌که پا روی اعصاب آن‌ها بگذارید کدام است؟

۲۳

اگر یک پروژهٔ خیلی سخت امّا جالب داشتید که باید انجام می‌شد، بیشتر دوست داشتید آن را به تنهایی انجام بدهید و همهٔ اعتبارش را نصیب خودتان کنید، یا ترجیح می‌دادید کار را با دوستانتان انجام بدهید و افتخار آن نصیب همهٔ شما بشود؟ اگر خواسته یا ناخواسته خلاف آن چیزی که دلتان می‌خواهد، صورت گیرد، چه احساسی به‌شما دست می‌دهد؟

۲۴

اگر می‌توانستید با خوردن قرصی شجاع‌تر بشوید و یا قرصی بخورید که قوی‌تر بشوید، کدام‌یک را انتخاب می‌کردید و چرا؟ آیا ترجیح می‌دادید همین‌طور که هستید، بمانید؟

۲۵

اگر می‌دانستید درصورتی‌که بخواهید برای مدّت دو سال مربّی حیوانات خانگی بشوید همهٔ دوستانتان را از دست می‌دهید و مورد اذیّت و آزار قرار می‌گیرید، امّا بعد از آن تا آخر عمر، آدمی سعادتمند و موفق خواهید بود و همه شما را تحسین خواهند کرد، آیا این کار را می‌کردید؟

۲۶

آیا فکر می‌کنید دارای وظایف زیاد و سنگینی هستید؟ اگر قرار بود وظایف خانه را تقسیم کنید، انجام چه کاری را برعهدهٔ خودتان می‌گذاشتید؟

۲۷

اگر پدر و مادرتان می‌گفتند می‌خواهند بچّهٔ دیگری داشته باشند و فکر می‌کنند شما به‌قدری بچّهٔ عالی و خوبی هستید که تصمیم دارند دوقلوی شما را شبیه‌سازی کنند، آیا از این ایده خوشتان می‌آمد؟ فکر می‌کنید بدترین چیزی که در این رابطه ممکن است وجود داشته باشد چیست؟ بهترین چیز چه‌طور؟

۲۸

دوست داشتید پدر و مادرتان به شما هدایای بیشتری می‌دادند، یا وقت بیشتری را با شما صرف می‌کردند؟ کدام یک به شما این احساس را می‌دهد که آن‌ها واقعاً شما را دوست دارند؟

۲۹

اگر گربه‌ای داشتید که خیلی دوستش می‌داشتید و همسایهٔ بدجنسی گربهٔ شما را تنها به‌خاطر این‌که روی چمن‌هایش مدفوع کرده بود می‌کشت، فکر می‌کنید خوب بود سر آن شخص چه بلایی می‌آمد؟

۳۰

بدترین کابوسی که تا به‌حال دیده‌اید و به‌خاطر دارید کدام است؟ آیا حاضر هستید همان کابوس را امشب ببینید و بعد بگذارند که شما هفته‌ای را با دوستانتان در دیسنی‌لند سپری کنید؟

۳۱

اگر در خانه تنها باشید و فقط چند دقیقه فرصت داشته باشید تا خودتان را از چشم دزدها پنهان کنید، کجا مخفی می‌شوید؟ در خانهٔ شما بهترین جا برای مخفی شدن کجاست؟

۳۲

اگر شما و دوستانتان برای خیریه‌ای پول جمع می‌کردید و دوستانتان تصمیم می‌گرفتند هر چه پول جمع می‌کنند برای خودشان بردارند و به شما هم می‌گفتند که اگر به آن‌ها ملحق نشوید دیگر حاضر به دوستی با شما نیستند، آن‌وقت شما چه می‌کردید؟

۳۳

اگر قرار می‌شد دوچرخه‌تان را به یکی از دوستان خود بفروشید و بعد کسی مبلغ بیشتری را برای خرید آن به شما پیشنهاد می‌کرد، آیا سعی می‌کردید معاملهٔ خود را با دوستتان به هم بزنید؟

۳۴

اگر می‌فهمیدید در خانواده‌ای زندگی می‌کنید که از کودکی شما را به فرزندی قبول کرده‌اند، چه احساسی پیدا می‌کردید؟ آیا سعی می‌کردید پدر و مادر واقعی‌تان را پیدا کنید؟

۳۵

بیشتر ترجیح می‌دهید لباس ثابتی برای مدرسه‌تان داشته باشید و هر روز همان را به تن کنید یا دوست دارید هر چه دلتان می‌خواهد بپوشید؟ اگر هیچ‌کس به طرز لباس پوشیدن شما کاری نداشت، چه‌طور لباس می‌پوشیدید؟

۳۶

اگر می‌توانستید در مورد به‌خصوصی (مثلاً داشتن استعداد) شبیه یکی از اشخاص باشید، ترجیح می‌دادید چه کسی را انتخاب کنید؟

۳۷

«اتاقت را تمیز و مرتب کن! دوش بگیر! دست‌هایت را بشوی!...» شما فکر می‌کنید چرا بزرگترها این‌قدر به تمیزی اهمیّت می‌دهند؟

۳۸

اگر همهٔ اسرار یا عاداتتان را به دوستانتان می‌گفتید، حتّی مواردی که شما را مثبت نشان نمی‌داد، آیا فکر می‌کنید علاقهٔ آن‌ها به شما کمتر می‌شد یا بیشتر؟

۳۹

شما از انجام چه کاری بیش از همه احساس سربلندی می‌کنید؟ چه چیزی شما را از این‌هم سربلندتر می‌کند؟

۴۰

اگر همهٔ آدم‌ها وقتی به سن شما می‌رسیدند همان‌اندازه می‌ماندند و دیگر بزرگ و قوی نمی‌شدند، به‌طوری‌که هیچ بزرگتری از شما درشت‌هیکل‌تر و قوی‌تر نبود، آیا باز هم به حرف آن‌ها گوش می‌کردید؟ اگر می‌کردید چرا و به چه دلیل؟

۴۱

اگر فقط پنج دقیقه فرصت داشتید تا فکر کنید و اسم مستعاری برای خودتان انتخاب کنید و می‌دانستید تا سال‌ها به این اسم نامیده خواهید شد، چه اسمی را انتخاب می‌کردید؟ برای بهترین دوستتان چه اسمی را انتخاب می‌کردید؟ برای پدر و مادرتان چه‌طور؟

۴۲

از بین تمام مطالبی که در مورد خدا و مذهب شنیده‌اید، کدام‌یک را باور دارید و کدام را داستان می‌پندارید؟

۴۳

تصور کنید مدیرتان می‌خواهد وضع مدرسه را بهتر کند و از شما خواسته برای انجام این تغییر پیشنهادهایی بدهید. حالا شما چه توصیه‌هایی در این‌باره به او می‌کنید؟

۴۴

اگر می‌توانستید به‌طور موقت جای زندگی خود را با یکی از همکلاسی‌ها، یا برادر و خواهرهایتان عوض کنید، آیا این‌کار را می‌کردید؟ اگر می‌کردید با چه کسی و چرا؟

۴۵

اگر شخصی که از شما خیلی کوچکتر است دائماً اذیّتتان کند و در مورد شما دروغ‌هایی سرهم کند و دست از این کار خود برندارد، تا چه اندازه دلتان می‌خواهد جلوی او را بگیرید؟ اگر آن شخص بزرگتر از شما باشد چه‌طور؟

۴۶

فکر می‌کنید بچه‌ها برای انجام چه خطاهایی باید تنبیه شوند و این تنبیه به چه شکلی باید انجام بگیرد؟ آیا آدم‌ها را فقط تا سنّ خاصّی باید برای اشتباهاتشان تنبیه کرد؟ اگر این‌طور است، چه سنّی و چرا؟

۴۷

آیا عجله دارید زودتر بزرگ شوید؟ بزرگ بودن چه مفهومی برای شما دارد و فکر می‌کنید خودتان چه زمانی بزرگ خواهید شد؟

۴۸

اگر تمام بچه‌های کلاس زنده می‌ماندند مگر به این شرط که شما حاضر می‌شدید جان خود را فدا کنید، بیشتر ترجیح می‌دادید جان بقیه را نجات بدهید یا جان خودتان را؟ آیا برای شما فرقی می‌کرد اگر می‌دانستید هیچ‌وقت، هیچ‌کس متوجه کاری که کرده‌اید نخواهد شد؟

۴۹

چیزی که در مورد بهترین دوستتان از همه بیشتر می‌پسندید، چیست؟ فکر می‌کنید اگر از این شهر نقل مکان کنید چه‌قدر طول بکشد تا شما دوستی مثل او برای خودتان پیدا کنید؟

۵۰

آیا تا به‌حال اتفاقی برای شما پیش آمده که فکر کنید همین حالاست که بمیرید ــ برای مثال، یک رعد و برق خیلی شدید یا یک حادثهٔ اتومبیل؟ اگر پیش آمده، آیا این تجربه چیزی به شما یاد داده است که بتوانید آن را برای دوستانتان بگویید؟

۵۱

خسته کننده‌ترین کاری که می‌توانید تصوّر انجام‌دادنش را بکنید کدام است؟ آیا حاضر بودید یک هفتهٔ تمام این کار را بکنید و در قبالش از آن به بعد سالی دو مرتبه جشن تولّد بگیرید؟

۵۲

بزرگترین تفاوت بین آن چیزی که در داستان‌ها یا فیلم‌های تلویزیون اتفاق می‌افتد و آن چیزی که در زندگی واقعی رخ می‌دهد چیست؟

۵۳

آیا کسی هست که شما به‌قدری به او اعتماد داشته باشید که بدون ترس و با آرامش و اطمینان هر فکری دارید با او در میان بگذارید؟

۵۴

آیا حاضر بودید هرگز هدیه‌ای دریافت نکنید، ولی هر آن‌چه که می‌خواهید فوراً پدر و مادرتان برایتان بخرند؟

۵۵

فکر می‌کنید هنگامی‌که بزرگ شدید، با چه سختی‌هایی روبه‌رو می‌شوید؟

۵۶

اگر می‌توانستید یک چیز را، به دلخواه در مورد والدین خودتان عوض کنید، چه چیزی را عوض می‌کردید؟

۵۷

اگر می‌توانستید قرصی بخورید که برای مدت یک هفته حال شما را بد می‌کرد، امّا وقتی پیر می‌شدید ده سال به عمرتان اضافه می‌کرد و شما را سرحال نگه می‌داشت، این کار را می‌کردید؟ اگر خوردن این قرص حال شما را اصلاً بد نمی‌کرد یا اگر برای مدّت یک ماه واقعاً مریض می‌شدید، آیا در تصمیم شما تغییری ایجاد می‌شد؟

۵۸

آخرین باری که از دست دوستی عصبانی شدید و فریاد کشیدید کی بود؟ فکر می‌کنید وقتی عصبانیت خود را بروز می‌دهید زودتر می‌توانید بر خشم خویش غلبه کنید یا وقتی که آن را پنهان می‌کنید و بروز نمی‌دهید؟

۵۹

کدام‌یک از درس‌های مدرسه هست که فکر می‌کنید وقتی بزرگتر شدید به‌دردتان نمی‌خورد؟ کدام درس‌ها بعدها برایتان کارآیی دارند؟

۶۰

اگر مطمئن بودید اتفاق بدی برایتان نمی‌افتد، آیا حاضر بودید دو روز تک و تنها در خانه بمانید و بعد هر هدیه‌ای را که دوست دارید دریافت کنید؟

۶۱

آخرین باری که به پدر و مادرتان گفتید خیلی دوستشان دارید کی بود؟ آخرین باری که آن‌ها این حرف را به شما زدند، چه؟

۶۲

بهترین شانسی که تا به‌حال در زندگی آورده‌اید، چه بوده است؟

۶۳

آیا تا به‌حال، خودتان احساس گناه کرده‌اید؟ یا فکر می‌کنید افراد دیگری سعی می‌کنند احساس گناه را در شما تقویت کنند؟

۶۴

آیا هیچ مشاجره و دعوایی هست که مکرر، بین شما و پدر یا مادر یا پدربزرگ و مادربزرگتان تکرار شده باشد؟ اگر این‌طور است آیا کاری هست که برای جلوگیری از آن بتوانید انجام بدهید؟ آیا وقت‌هایی هست که شما فقط دوست داشته باشید مشاجره کنید؟

۶۵

بیشتر دوست دارید دور و بر بچه‌های کوچکتر بچرخید و رئیس باشید و کارهای همان بچه‌ها را انجام بدهید یا ترجیح می‌دهید دور و بر بچه‌های بزرگتر بچرخید و فرمان‌بر باشید و کارهایی را انجام دهید که آن‌ها انجام می‌دهند؟

۶۶

هیجان‌انگیزترین کاری که جرأت کردید و آن را انجام دادید چه بود؟ آیا از این‌که آن کار را انجام دادید خوشحال هستید یا ناراحت؟

۶۷

آیا حاضرید یک ساندویچ کِرم بخورید و در یک برنامهٔ تلویزیونی که دوست دارید شرکت کنید، یا بتوانید هنرپیشهٔ سینما یا نوازندهٔ محبوب خودتان را ببینید؟

۶۸

آیا دوست دارید پدر و مادرتان بیش از این، به یکدیگر محبت کنند؟ در مورد خودتان چه‌طور؟ دوست دارید بیش از این شما را ببوسند یا کمتر؟

۶۹

آیا رفتاری که در مدرسه از خودتان نشان می‌دهید با رفتارتان در خانه متفاوت است؟

۷۰

ترجیح می‌دادید در خانواده‌ای مهربان و فقیر که شما را خیلی دوست دارند، زندگی کنید یا در خانواده‌ای ثروتمند که مدام در حال جنگ و ستیزند و به شما توجهی ندارند؟

۷۱

آیا تا به‌حال برای چیزی که فکر می‌کردید درست است، محکم سر حرفتان ایستاده‌اید، حتّی وقتی که می‌دانستید خیلی‌ها از دست شما ناراحت می‌شوند؟ اگر نه، آیا فکر می‌کنید به اندازهٔ کافی قوی باشید که در آینده دست به چنین کاری بزنید؟

۷۲

آیا هیچ نوعی از قرض گرفتن بدون اجازه هست که ایرادی نداشته باشد؟ آخرین باری که شما چنین کاری کردید، کی بود؟

۷۳

اگر کسی که خیلی او را دوست می‌داشتید بعداً دروغگو از آب درمی‌آمد، آیا باز هم دلتان می‌خواست با او دوست باشید؟

۷۴

اگر دوستی داشتید که پدر و مادرش می‌خواستند از هم جدا شوند و هر دو دائماً سعی داشتند کاری کنند که موقع مشاجراتشان او از آن‌ها جانب‌داری کند، شما چه توصیه‌ای به او می‌کردید؟

۷۵

از بین این دو انتخاب که یک هفته مجبور باشید درحالی‌که یک تلفن، تلویزیون و دستگاه رایانه‌ای در اختیار دارید از اتاقتان خارج نشوید، یا این‌که اجازه داشته باشید به هر کجا می‌خواهید بروید امّا هیچ دستگاه الکترونیکی در اختیارتان نباشد، کدام‌یک برایتان سخت‌تر است و بیشتر آزارتان می‌دهد؟

۷۶

اگر یک کیف پر از پول در زمین بازی پیدا می‌کردید و مطمئن بودید کسی در حین برداشتن آن از روی زمین متوجه شما نشده، با آن کیف چه می‌کردید؟

۷۷

چه چیزهایی آن‌قدر شخصی و خصوصی هستند که نمی‌توانید آن‌ها را با پدر و مادرتان در میان بگذارید؟ آیا کسی هست که شما بتوانید دربارهٔ این‌گونه مسائل با او حرف بزنید؟

۷۸

آیا دوست دارید کارها را با عجله و سرعت انجام دهید یا این‌که آن‌ها را آهسته و با خونسردی به پایان برسانید؟ بودن در کنار کسانی که خیلی تندتر از شما کار می‌کنند بیشتر آزارتان می‌دهد یا آن‌هایی که کندتر کار می‌کنند؟

۷۹

چه کاری هست که حالا از انجامش خیلی لذّت می‌برید امّا احتمالاً دو سال دیگر از آن بیزار خواهید بود؟

۸۰

فرض کنید در روز «هالووین» تعدادی از هم‌کلاسی‌های شما را به‌جرم ترساندن بچه‌های کوچکتر و گرفتن شیرینی‌هایشان، دستگیر کرده‌اند، اگر شما می‌توانستید در مورد مجازات آن‌ها تصمیم بگیرید، چه مجازاتی برایشان قائل می‌شدید؟

۸۱

ترجیح می‌دهید افراد خانواده‌تان یکدیگر را خیلی دوست داشته باشند و همیشه احساسشان را همان‌طوری که هست نشان بدهند (گاهی دعوا و داد و فریاد، گاهی بوسیدن و بغل کردن) یا برایتان این‌طور بهتر است که در عین دوست داشتن یکدیگر، هر وقت ناراحت می‌شوند این احساس خود را از دیگران پنهان کنند و بروز ندهند؟

۸۲

از بین تمامی خوبی‌هایی که یک نفر می‌تواند به درستی و صادقانه در مورد شما بگوید، کدام‌یک از آن‌ها حال شما را بیشتر خوب می‌کند و به شما احساس بهتری می‌دهد؟

۸۳

بدترین و زشت‌ترین کلمه‌ای که بلد هستید کدام است؟ این کلمه را چه‌طور یاد گرفتید و آخرین باری که از آن استفاده کردید کی بود؟

۸۴

آخرین باری که به‌خاطر انجام کار مسخره و احمقانه به خودتان خندیدید کی بود؟

۸۵

اگر جمعهٔ همین هفته هر کاری را که دوست داشتید، می‌توانستید انجام بدهید، چه کار می‌کردید؟

۸۶

اگر می‌توانستید پدر و مادر خود را وادار کنید هر غذایی را که شما می‌خواهید امتحان کنند و بخورند، چه غذایی را انتخاب می‌کردید؟ آیا فکر می‌کنید این درست است که بچه‌ها را به چشیدن و خوردن غذاهای جدید مجبور کنند؟

۸۷

اگر می‌توانستید یکی از دوستانتان را برای مدت یک روز، به‌عنوان برده در اختیار داشته باشید تا هر کاری که دلتان می‌خواهد برای شما انجام بدهد، از او می‌خواستید برایتان چه کار کند؟

۸۸

آخرین باری که به پدر و مادر خود دروغ گفتید کی بود؟ آخرین باری که به دوست نزدیکتان دروغ گفتید کی بود؟ آخرین باری که مچ شما را گرفتند و دروغتان آشکار شد، چه؟

۸۹

بزرگترین قهرمان از نظر شما چه کسی است؟ چرا فکر می‌کنید این شخص تا این اندازه عالی و فوق‌العاده است؟

۹۰

دوستان شما به چه ترفندهایی متوسل می‌شوند تا شما را به انجام کاری وادار کنند که می‌دانند دوست ندارید این کار را بکنید؟

۹۱

اگر مدیر مدرسهٔ شما تصمیم می‌گرفت دوربین‌های ویدیویی کوچکی در تمام کلاس‌ها کار بگذارد تا پدر و مادرها بتوانند هر وقت که دلشان می‌خواهد وارد اینترنت بشوند و از آن طریق بچه‌هایشان را ببینند، این‌کار چه‌قدر باعث اذیّت شما می‌شد؟ بودن دوربین‌هایی مثل این، در همه‌جای مدرسه چه‌قدر احساس شما را نسبت به مدرسه عوض می‌کرد؟

۹۲

آیا بزرگترها هیچ‌وقت چیزی به شما گفته‌اند که فکر کرده باشید ممکن است واقعیت نداشته باشد؟ آیا فکر می‌کنید آن‌ها به چیزی که می‌گفتند واقعاً اعتقاد داشتند؟

۹۳

اگر می‌توانستید یکی از نگرش‌هایتان را به دلخواه عوض کنید، کدام‌یک را تغییر می‌دادید؟

۹۴

فرض کنید والدین شما به این نتیجه می‌رسند که همهٔ افراد خانواده ساعت‌هایی با مانیتور کوچکی داشته باشند تا هر وقت خواستند، به حرف‌های افراد دیگر گوش بدهند و در دسترس باشند. آیا شما حاضر بودید برای مدّت یک سال این وضع را تحمّل کنید؟ فکر می‌کنید با این کار چه تغییری در خانوادهٔ شما به‌وجود بیاید؟ آیا ترجیح می‌دادید این روش را با بهترین دوست خود امتحان می‌کردید؟

۹۵

وقتی چیزی را نمی‌فهمید، آیـا مـی‌ترسید دربـارهٔ آن سؤال کنید؟ برای نمونه، وقتی لطیفه‌ای تعریف می‌کنند و شما آن را نمی‌فهمید، آیا بی‌خودی می‌خندید؟

۹۶

بهترین لباس رسمی که تا به حال پـوشیده‌ایـد کـدام است؟ آیا، اگر می‌توانستید، دوست داشتید هر هـفته در میهمانی‌ها لباس رسمی به تن کنید؟

۹۷

اگر بچه‌ای بسیاری از نوارهای موسیقی و فیلم‌ها را از روی وب سایت به‌طور غیرقانونی داون‌لود می‌کرد، آیـا مستحق تنبیه بود؟ اگر این‌طور است، فکر می‌کنید باید با او چه کار می‌کردند؟ اگر آن بچه از روی این نـوارهـا و فیلم‌ها کپی می‌کرد و آن‌ها را به دوستانش مـی‌فروخت، این وضع، چه تغییری در جواب شما به‌وجود می‌آورد؟

۹۸

آیا کارهایی هست که پدر و مادر شما نمی‌کنند، امّا با وجود این از شما می‌خواهند آن را انجام بدهید، چون قرار است به‌نفع شما باشد؟ اگر این‌طور است، آیا فکر می‌کنید این منصفانه باشد؟

۹۹

اگر بچّهٔ بزرگتری شما را بزنند و چیزی را از شما بدزدد و بعد بگوید اگر در این مورد به کسی حرفی بزنید حسابتان را خواهد رسید، آیا این موضوع را به کسی می‌گویید؟ به چه کسی؟

۱۰۰

اگر می‌دانستید درصورتی‌که جمعه‌ها سخت مطالعه کنید می‌توانید در هر درسی که بخواهید شاگرد اول شوید، چه کتابی را انتخاب می‌کردید؟ تصوّر کنید ۲۰ سال از آن ماجرا می‌گذرد. آیا نمی‌گفتید ای‌کاش کتاب دیگری را انتخاب کرده بودم؟

۱۰۱

آیا دوست داشتید پدر و مادرتان در مورد کارهایی که می‌کنید و احساسی که دارید، از شما سؤال می‌کردند؟

۱۰۲

اگر پدر و مادرتان به شما می‌گفتند بهترین دوستتان بچّهٔ خوبی نیست و دیگر اجازه ندارید او را ببینید، چه احساسی پیدا می‌کردید؟ آیا کاری را که آن‌ها می‌گفتند انجام می‌دادید؟

۱۰۳

آیا تا به‌حال شده کار نامطلوبی انجام دهید و وانمود کنید که کار شخص دیگری بوده است؟

۱۰۴

آخرین بار که کاری برای یک غریبه انجام دادید تا انسان خوبی جلوه کنید، کی بود؟

۱۰۵

اگر می‌دانستید کسی نمی‌فهمد که دارید تقلب می‌کنید، حاضر بودید جواب‌ها را عیناً از روی ورقهٔ شخص دیگری بنویسید؟ در مورد این‌که ببینید دیگران مشغول تقلب کردن هستند چه فکری دربارهٔ آن‌ها می‌کنید؟

۱۰۶

آیا حاضرید صورتتان برای یک سال به شکل خیلی بدی جوش بزند ولی جان ده بچه در دنیا نجات یابد؟ اگر قرار بود برای مدت یک سال هیچ لباس نویی برای شما نخرند چه‌طور؟

۱۰۷

کدام یک از بهانه‌های زیر شما را ترغیب می‌کند در مدرسه بیشتر تلاش کنید و بهتر درس بخوانید: راضی کردن معلّمی که دوستش دارید، این‌که نمی‌خواهید پدر و مادرتان را ناامید کنید، یا وعدهٔ این‌که اگر شاگرد خیلی خوبی باشید جایزهٔ فوق‌العاده‌ای دریافت می‌کنید؟

۱۰۸

ترجیح می‌دهید وقتی گریه‌تان می‌گیرد جلوی اشک‌های خود را بگیرید، یا وقتی چیز خنده‌داری می‌بینید، نخندید؟ چرا؟

۱۰۹

بزرگترین ترس شما در زندگی چیست؟ اگر ناگهان طوری می‌شد که دیگر این ترس را نداشتید، چه تغییری در زندگی شما به‌وجود می‌آمد؟

۱۱۰

اگر تروریست‌ها تعدادی از بچه‌های مدرسهٔ شما را می‌دزدیدند و تهدید می‌کردند آن‌ها را خواهند کشت مگر این‌که رئیس‌جمهور، دوستان تروریست‌ها را که در زندان بودند آزاد کند، آیا از او می‌خواستید با آزاد کردن آن‌ها جان همکلاسی‌های شما را نجات بدهد؟ اگر آن تروریست‌های زندانی بهترین همسایهٔ شما را کشته بودند چه‌طور؟

۱۱۱

اگر می‌توانستید برای هفتهٔ آینده فقط یک نوع غذا را انتخاب کنید و به هر مقدار دلتان می‌خواهد از آن بخورید ـ امّا به هیچ غذای دیگری لب نزنید ـ چه غذایی را انتخاب می‌کردید؟

۱۱۲

اگر می‌دانستید بهترین دوستتان چیزی را دزدیده است و پدرتان در این مورد از شما سؤال می‌کرد، حاضر می‌شدید دروغ بگویید تا از دوست خود حمایت کرده باشید؟

۱۱۳

بزرگترها می‌توانند کارهای بیشتری را انجام بدهند، امّا همیشه مسئولیت‌های زیادی برعهده دارند. بچه‌ها می‌توانند بیشتر بازی کنند، امّا به آن‌ها گفته می‌شود چه کار بکنند و چه کار نکنند. شما فکر می‌کنید بچه‌ها در موقعیت بهتری قرار گرفته‌اند یا بزرگترها؟

۱۱۴

اگر به‌قدری از دست پدر و مادرتان عصبانی می‌شدید که تصمیم می‌گرفتید فرار کنید، به کجا می‌رفتید؟ آیا فکر می‌کنید اگر فرار می‌کردید، هیچ‌وقت دوباره به خانه برمی‌گشتید؟

۱۱۵

اگر قرار بود دو چیز را حدس بزنید که حالا دوست ندارید امّا ممکن است چند سال دیگر آن‌ها را دوست داشته باشید، چه حدس می‌زدید؟ با این فرض که اگر درست حدس بزنید ۱۰۰۰ دلار برنده خواهید شد.

۱۱۶

آیا دلتان می‌خواست ساعتی داشته باشید که دکمهٔ «کمک» روی آن باشد تا در مواقع خطر با فشار آن فوراً پلیس به کمکتان بیاید؟ آیا زمانی را به‌خاطر دارید که واقعاً احساس می‌کردید به چنین چیزی نیاز دارید؟

۱۱۷

با فرض این‌که اجازه داشته باشید همهٔ اموال خصوصی دیگران را زیر و رو کنید، دلتان می‌خواهد بعدازظهرتان را برای بازرسی اتاق چه کسی بگذرانید؟

۱۱۸

وقتی کسی به شما می‌گوید دقیقاً مثل مادر یا پدرتان هستید، آیا از این حرف خوشتان می‌آید؟ آیا سعی می‌کنید بیشتر مثل پدر و مادرتان باشید یا در تلاش هستید که متفاوت از آن‌ها عمل کنید؟

۱۱۹

اگر می‌توانستید کاری کنید که یک نفر ــ به‌دلخواه خودتان از تمام مردم دنیا ــ شما را خیلی دوست داشته باشد، چه کسی را انتخاب می‌کردید؟ آیا در حال حاضر کسی شما را دوست دارد که فکر کنید ای‌کاش دوستتان نمی‌داشت؟

۱۲۰

اگر می‌توانستید وقتی بزرگ شدید آدم مشهور و موفّقی بشوید، دوست داشتید این شهرت شما در چه زمینه‌ای باشد؟ فکر می‌کنید روزی اسم و رسمی پیدا کنید؟

۱۲۱

آیا عکس‌ها، سوغات‌ها و یادگاری‌های زیادی دارید؟ اگر دارید، در ازای چه مبلغی حاضرید آن‌ها را دور بیندازید؟

۱۲۲

آیا زمانی را به‌خاطر دارید که موفقیتی کسب کردید، درحالی‌که فکر می‌کردید هرگز این امکان وجود ندارد؟ آیا بیشتر دوست دارید دست به کارهای بلندپروازانه بزنید درحالی‌که می‌دانید احتمال شکست هم هست، یا ترجیح می‌دهید کارهای آسانی بکنید که مطمئن هستید تقریباً همیشه در انجامشان موفق خواهید شد؟

۱۲۳

آخرین باری که با کسی دعوا کردید کی بود؟ سر چه چیزی خیلی دلتان می‌خواهد دعوا کنید که مستقیماً تهدیدی برای شما به‌حساب نمی‌آید؟

۱۲۴

اگر می‌توانستید انتخاب کنید که جذّاب‌ترین، ورزشکارترین یا باهوش‌ترین فرد مدرسهٔ خودتان باشید، دلتان می‌خواست کدام‌یک از این گزینه‌ها می‌بودید؟

۱۲۵

اگر پرستارتان اجازه می‌داد یک ساعت بعد از ساعت خوابتان بیدار بنشینید به‌شرط این‌که در مورد آن چیزی به‌کسی نگویید، آیا قبول می‌کردید؟ اگر قبول می‌کردید و قول می‌دادید، وقتی صبح روز بعد مادرتان از شما می‌پرسید که آیا سر وقت به رختخواب رفته‌اید یا نه، چه جوابی به او می‌دادید؟

۱۲۶

اگر می‌توانستید یک نیروی جادویی به‌دلخواه، داشته باشید، چه چیزی را انتخاب می‌کردید؟

۱۲۷

اگر یکی از دوستان شما سعی می‌کرد جایی را در اینترنت به شما نشان بدهد که خلاف اخلاق بود، آیا نگاه می‌کردید؟

۱۲۸

اگر می‌توانستید با یک آزمایش ژنتیکی مشخص کنید در چه زمینه‌ای استعداد دارید، آیا دوست داشتید این کار را بکنید یا ترجیح می‌دادید خودتان به مرور زمان، متوجه زمینهٔ استعدادتان بشوید؟

۱۲۹

چه‌قدر برای شما مهمّ است که برنده شوید؟ آخرین باری که در یک بازی تقلب کردید تا برنده شوید، کی بود؟

۱۳۰

اگر همه موافقت می‌کردند از این به بعد هیچ‌وقت شما را اذیت نکنند، فکر می‌کنید دلتان برای چه اذیّتی بیشتر از همه تنگ می‌شد؟

۱۳۱

فکر می‌کنید دوستانتان کدام خصوصیت شما را بیشتر از همه دوست دارند؟ اگر آن خصوصیت خودتان را از دست بدهید، فکر می‌کنید آن‌ها باز هم شما را دوست داشته باشند؟

۱۳۲

چه کسی در همسایگی شما بیش از همه نسبت به بچه‌ها بدجنسی می‌کند؟ اگر می‌دانستید مشکلی برایتان پیش نمی‌آید، دلتان می‌خواست روز جشن «هالووین» امسال چه بلایی سر او بیاورید؟ اگر به شما می‌گفتند داستانی در این مورد بنویسید که چه‌طور شد آن شخص به این درجه از بدجنسی رسید، فکر می‌کنید چه داستانی می‌نوشتید؟

۱۳۳

اگر می‌توانستید یک برنامهٔ تلویزیونی در هر موردی که می‌خواهید درست کنید و می‌دانستید میلیون‌ها نفر آن را تماشا خواهند کرد، این برنامه را در چه موردی می‌ساختید؟

۱۳۴

ترجیح می‌دهید در شغلی کار کنید که خیلی آن را دوست داشته باشید امّا درآمدش فقط برای گذران زندگیتان کافی باشد یا شغلی که دوستش ندارید، ولی درآمد بسیار خوبی دارد؟

۱۳۵

اگر نمی‌توانستید یک سال تلویزیون تماشا کنید، فکر می‌کنید با این‌همه زمانی که اضافه می‌آوردید چه کار می‌کردید؟ فکر می‌کنید اگر بیشتر از حالا تلویزیون تماشا می‌کردید به‌نفع شما بود، یا اگر مجبور بودید کمتر از حالا تلویزیون ببینید؟ چرا؟

۱۳۶

وحشیانه‌ترین و احمقانه‌ترین کاری که تا به‌حال انجام داده‌اید کدام است؟ آیا دلتان می‌خواهد دوباره همان کار را بکنید؟

۱۳۷

آیا هیچ تجربهٔ شخصی دارید که موجب اعتقاد شما به خداوند شده باشد؟ اگر دارید، فکر می‌کنید چرا خیلی از آدم‌ها چنین تجربیاتی ندارند؟ اگر ندارید، فکر می‌کنید چرا خیلی از آدم‌ها هستند که تجربیاتی از این قبیل را داشته‌اند؟

۱۳۸

فکر می‌کنید پدر و مادر شما چه کارهایی را باید برایتان انجام بدهند بدون این‌که انتظار تشکر کردن داشته باشند ــ برای مثال، پختن ناهار و شامتان، خرید کفش و لباس‌هایتان یا بردن شما به این طرف و آن طرف؟ آیا فکر می‌کنید آن‌ها هم باید با نظر شما موافق باشند؟

۱۳۹

آیا هیچ وقت انگشت در بینی خود می‌کنید یا ناخن‌هایتان را می‌جوید؟ اگر چنین است، فکر می‌کنید همیشه این کار را خواهید کرد، یا روزی خواهد رسید که این‌کارها را ترک کنید؟

۱۴۰

آیا معمولاً آن چیزی را می‌گویید که واقعاً درست است، یا چیزی را به‌زبان می‌آورید که فکر می‌کنید دیگران دوست دارند از شما بشنوند؟ فکر می‌کنید اگر بیشتر اوقات خلاف این عمل می‌کردید، در زندگی شما چه تغییری به‌وجود می‌آمد؟

۱۴۱

اگر یک روز صبح بیدار می‌شدید و می‌دیدید که به‌طور معجزه‌آسایی تبدیل به آدم بزرگ شده‌اید، آن‌وقت چه می‌کردید؟ با این فرض که می‌دانید بعد از یک هفته، دوباره بچه خواهید شد.

۱۴۲

آیا تا به‌حال پیش آمده است کاری را که واقعاً نمی‌توانستید بکنید به دیگران گفته باشید که می‌توانید و خودتان را در بدمخمصه‌ای گیر انداخته باشید؟

۱۴۳

آیا پدر و مادر شما سعی می‌کنند با استفاده از ترفندهایی شما را به‌سوی انجام برخی از کارها سوق دهند؟ اگر این‌طور است، این را معمولاً شما بلافاصله می‌فهمید یا بعد از مدّتی متوجه می‌شوید که چه کرده‌اند؟

۱۴۴

اگر قرار بود ۱۰ سال در یک جزیرهٔ زیبای کوچک به اندازهٔ یک زمین فوتبال زندگی کنید و از آن‌جا خارج نشوید، دلتان می‌خواست چه کسی را در کنار خود داشته باشید؟ (مطمئن باشید هیچ خطری شما را تهدید نمی‌کند و لباس و غذا و محلّی برای زندگی دارید، امّا هیچ چیز دیگری در اختیار شما نیست.)

۱۴۵

آیا نگران این مسئله هستید که وقتی بزرگ شوید دنیا چگونه جایی خواهد بود؟ اگر این‌طور است، چه چیزی بیشتر از همه شما را نگران می‌کند و فکر می‌کنید برای بهبود اوضاع چه می‌توانید بکنید؟

۱۴۶

اگر می‌دانستید با تقلب کردن می‌توانید در یک رقابت مهم برای مدرسه‌تان برنده شوید و به یک قهرمان مبدّل گردید، این کار را می‌کردید؟ با این فرض که مطمئن بودید کسی متوجّه تقلب شما نمی‌شود.

۱۴۷

فرض کنید فقط یک جفت کفش می‌توانید داشته باشید و باید از بین دو جفت کفشی که یکی از آن‌ها قیافهٔ مسخره‌ای دارد امّا بسیار راحت است و دیگری قیافهٔ خیلی قشنگی دارد امّا پای شما را ناراحت می‌کند یکی را انتخاب کنید، حالا کدام را انتخاب می‌کنید؟

۱۴۸

اگر می‌توانستید از بین کسانی که می‌شناسید یک نفر را به‌عنوان بهترین دوست خود انتخاب کنید، چه کسی را انتخاب می‌کردید؟

۱۴۹

اگر همهٔ بچه‌های کلاس شروع به اذیّت و آزار و دعوا با بهترین دوست شما می‌کردند و شما می‌دانستید اگر دوست او باقی بمانید همه با شما هم سر دعوا و ناسازگاری خواهند گذاشت، چه می‌کردید؟

۱۵۰

آیا تا به‌حال شده بزرگترها بخواهند به زور شما را پای تلویزیون بنشانند برای این‌که آن‌ها را اذیّت نکنید؟ اگر شده، این کارِ آن‌ها چه احساسی به شما می‌دهد؟ اگر شما هم بخواهید از بچه‌هایی مراقبت کنید یا خودتان صاحب بچه شوید، آیا همین کار را با آن‌ها می‌کنید؟

۱۵۱

اگر دو نفر از بهترین دوست‌های شما آن‌قدر از دست هم ناراحت و عصبانی شده باشند که هر دو به شما بگویند: «اگر دیگری را در جشن تولّد خودت دعوت کنی من نخواهم آمد»، آن‌وقت چه می‌کنید؟

۱۵۲

اگر به‌شدّت از دست برادرتان عصبانی بودید و خبردار می‌شدید او کار خیلی بدی انجام داده است، آیا موضوع را به پدر و مادرتان می‌گفتید و او را به دردسر می‌انداختید؟

۱۵۳

دوست دارید شب ادراری داشته باشید، و فقط پدر و مادر شما این موضوع را بدانند، یا ترجیح می‌دهید هرگز رختخواب خودتان را خیس نکنید، ولی به‌دلیل دروغی که یک نفر علیه شما گفته، همه فکر کنند شب‌ها در جایتان ادرار می‌کنید؟

۱۵۴

اگر پدر و مادرتان بیکار می‌شدند و شما مجبور بودید تلاش کنید تا مخارج خانواده‌تان را تأمین نمایید، برای کسب درآمد به انجام چه کاری می‌پرداختید؟

۱۵۵

اگر برای پدر و مادر شما هیچ اهمیّتی نداشت از این‌که نمره‌های خوبی بگیرید یا نگیرید، آیا ناراحت می‌شدید؟ شما در چه زمینه‌ای از بچه‌ای که در کلاستان بهترین نمرات را می‌گیرد، بیشتر اطلاعات دارید؟

۱۵۶

اگر یک بچهٔ ثروتمند می‌خواست پدر و مادر شما را بخرد ــ به‌فرض این‌که مایل به فروش بودید ــ چه مقدار پول در ازای آن‌ها طلب می‌کردید؟ آیا حاضر بودید پدر و مادرتان را با هیچ‌یک از دوستان خود معامله کنید؟

۱۵۷

در چه سن و سالی بچه‌ها باید آزاد باشند تا در مدرسه هر لباسی که دلشان می‌خواهد بپوشند؟ در چه سن و سالی باید اجازه داشته باشند که تنها به خانهٔ دوستشان بروند؟

۱۵۸

شما به روش درس دادن معلّمتان چه نمره‌ای می‌دهید؟ به صبر و شکیبایی او چه‌طور؟ به شفقت و مهربانی او چه؟ به دستخط او چه نمره‌ای می‌دهید؟

۱۵۹

اگر دو نفر از همکلاسی‌های شما را درحالی دستگیر می‌کردند که تفنگ یا چاقو با خود به مدرسه آورده بودند و شما می‌بایست در مورد تنبیه آن‌ها تصمیم می‌گرفتید، چه تنبیهی را برای آن‌ها انتخاب می‌کردید؟ اگر یکی از آن‌ها دوست شما بود، آیا فرقی هم برایتان می‌کرد؟

۱۶۰

فکر می‌کنید محبوب‌ترین بچه‌های مدرسه چرا تا این حد محبوبیت پیدا کرده‌اند؟ فکر می‌کنید در چه زمینه‌هایی از آن‌ها بهتر باشید؟

۱۶۱

آیا هیچ‌کاری برایتان آن‌قدر بد هست که اگر بفهمید پدر یا مادرتان آن کار را کرده‌اند، فوراً به پلیس زنگ بزنید؟

۱۶۲

آیا دوست دارید دوستانتان از شما تقلید کنند یا شما از آن‌ها پیروی کنید، چرا؟

۱۶۳

بین نیروی حرف زدن با حیوانات و نیروی دیدن آینده، ترجیح می‌دادید کدام یک در اختیار شما قرار بگیرد؟

۱۶۴

بدترین کاری که انجام داده‌اید و موجب خجالت شما شد، چه بود؟ آیا در حال حاضر هم از انجام آن کار پشیمان هستید؟

۱۶۵

شما به دوست خوبی که نسبت به یک نفر دچار حسادت شده و سعی می‌کند تمام و کمال مثل آن شخص رفتار کند چه توصیه‌ای دارید؟

۱۶۶

بهترین جشن تولدی که تاکنون داشته‌اید کدام بوده است؟ اگر می‌توانستید هر نوع میهمانی که دوست دارید برای جشن تولد بعدی خود برگزار کنید، ترجیح می‌دادید میهمانی شما چگونه باشد؟

۱۶۷

آیا تا به‌حال پیش آمده معلمی شما را تحقیر کند؟ اگر پیش آمده، آن‌وقت چه اتّفاقی افتاد؟

۱۶۸

اگر درحالی‌که دوچرخه‌سواری می‌کردید به‌طور تصادفی به دوچرخهٔ کس دیگری می‌خوردید و به آن صدمه وارد می‌کردید ـ امّا کسی شما را نمی‌دید ـ آن‌وقت چه می‌کردید؟

۱۶۹

آیا تاکنون با کسی شوخی آزاردهنده‌ای کرده‌اید؟

۱۷۰

اگر می‌توانستید ستارهٔ یک برنامهٔ تلویزیونی زنده و واقعی باشید که برای مدّت یک سال تمام جزییات زندگی خانوادهٔ شما را دنبال کند، آیا دلتان می‌خواست این کار را بکنید؟ (این تصوّر را داشته باشید که شما شهرت زیادی پیدا می‌کنید، امّا این هم هست که همهٔ مردم حتّی با جزییات زندگی شما و خانواده‌تان آشنا می‌شوند و همه چیز را در مورد شما می‌دانند.)

۱۷۱

اگر فرصت این را داشتید که ۱۰ دقیقه برای همهٔ بچه‌های مدرسه در مورد هر موضوعی که می‌خواهید، سخنرانی کنید، آیا این کار را می‌کردید؟ اگر می‌کردید، در مورد چه چیزی حرف می‌زدید؟

۱۷۲

آیا فکر می‌کنید وقتی بزرگ شدید، پدر و مادرتان به شما نگاه کنند و بگویند بهتر از آن‌چه آن‌ها امیدوار بودند ظاهر شده‌اید یا به‌عکس، خواهند گفت که نتوانسته‌اید در حدّ انتظار آن‌ها ظاهر شوید؟

۱۷۳

اگر یکی از دوستان خوب شما درحالی به خانه‌تان می‌آمد که پای چشمش سیاه و کبود شده بود و ــ بعد از قول گرفتن از شما ــ می‌گفت پدرش او را کتک زده است، آیا این موضوع را به کسی می‌گفتید؟ اگر نمی‌گفتید و دو ماه بعد می‌دیدید که این اتفاق تکرار شده، چه‌طور؟

۱۷۴

بیشتر دوست داشتید یک ستارهٔ سینمای مشهور و ثروتمند باشید یا ترجیح می‌دادید دکتر ماهری باشید که جان خیلی از انسان‌ها را نجات می‌دهد امّا پولدار و شناخته شده نیست؟

۱۷۵

اگر می‌توانستید در یک کلاس فنّی خاصّ تابستانی شرکت کنید که واقعاً در عین سخت بودن به آیندهٔ شما کمک می‌کرد، آیا مایل به شرکت در آن کلاس بودید یا این‌که ترجیح می‌دادید تنها با خوردن یک قرص بر هوش شما افزوده شود؟

۱۷۶

از بین همهٔ آن چیزهایی که می‌توانید تصور کنید وقتی بزرگ شدید انجامشان خواهید داد، کدام‌ها بیش از همه پدر و مادرتان را راضی و خوشحال می‌کنند؟ کدام‌ها بیش از همه اسباب ناامیدی آن‌ها را فراهم می‌نمایند؟

۱۷۷

ترجیح می‌دادید چند برادر و خواهر داشتید؟ اصولاً فکر می‌کنید اگر تعداد افراد یک خانواده چند نفر باشد، بهتر است؟ چرا؟

۱۷۸

دوست دارید اتاقتان تمیز و مرتب باشد یا کثیف و به‌هم ریخته؟

۱۷۹

چه چیزهایی هستند که حتّی با علم به این‌که دلیلی برای ترسیدن از آن‌ها وجود ندارد، باز هم شما را به‌ترس و وحشت می‌اندازند؟

۱۸۰

اگر می‌توانستید یکی از کارهایی را بکنید که حالا به‌دلیل کوچک بودنتان اجازهٔ انجامشان را ندارید، آن‌کار چه بود؟

۱۸۱

آیا تا به‌حال شده ــ بدون این‌که به کسی بگویید ــ در یک بازی که می‌توانستید به‌سادگی برنده شوید اجازه داده باشید کس دیگری برنده شود؟ اگر این‌طور بوده، چرا؟

۱۸۲

اگر دچار یک حادثهٔ رانندگی خیلی بد می‌شدید، آیا دلتان می‌خواست پدر و مادرتان قلب و سایر اعضای بدن شما را برای نجات جان سایر آدم‌ها اهدا کنند، با وجود این‌که می‌دانستید پزشکان برای انجام این کار چاره‌ای جز تکّه و پاره کردن بدن شما ندارند؟

۱۸۳

وقتی کسی را می‌بینید که بدشکل و قیافه یا دارای نقص عضو است چه احساسی پیدا می‌کنید؟ آیا می‌توانید با کسی که بسیار زشت است از نزدیک دوستی کنید و دوست بسیار خوبی برای او باشید؟

۱۸۴

اگر یک معلّم بودید و بچه‌های کلاس به‌حرفتان گوش نمی‌دادند، چه می‌کردید؟ بعد از انجام آن کار، اگر باز هم به‌حرفتان گوش نمی‌دادند چه؟

۱۸۵

آخرین باری که احساس کردید خیلی شاد و خوشحال هستید کی بود؟ چه چیزی به شما احساسی به این خوبی داده بود؟

۱۸۶

در ذهن خود این‌طور تصوّر کنید که سه نفر در بیمارستان در حال مردن هستند: یک بچهٔ یک‌ساله، یک مادربزرگ با تعداد زیادی نوه که همگی او را خیلی دوست دارند و نوجوانی که خیلی تلاش می‌کند امّا رفوزه شده و او را از دبیرستان اخراج کرده‌اند. اگر می‌توانستید تنها جان یکی از آن‌ها را نجات بدهید، کدام را انتخاب می‌کردید؟

۱۸۷

اگر می‌توانستید جای زندگی خود را برای یک هفته با شخص دیگری عوض کنید ـ فقط برای این‌که ببینید چه مزه‌ای دارد ـ آیا این‌کار را می‌کردید؟ اگر می‌کردید، با چه کسی و چرا؟

۱۸۸

آیا تا به حال اتفاق افتاده برای کاری که نکرده‌اید مورد سرزنش قرار بگیرید، و با وجود این به انجام‌دهندهٔ آن کار هیچ حرفی نزنید؟ اگر اتفاق افتاده، به چه دلیل حرفی به او نزدید؟

۱۸۹

ترجیح می‌دهید شبی را تنها در یک خانهٔ خالی میان جنگل بگذرانید، یا این‌که یک شب را با دوستی زیر رعد و برق خیلی شدید بیرون خانه و در فضای باز سپری کنید؟ کدام مورد شما را بیشتر آزار می‌دهد؟

۱۹۰

اگر مجبور بودید یک اسم کوچک جدید برای خودتان انتخاب کنید، چه اسمی را انتخاب می‌کردید؟

۱۹۱

فکر می‌کنید وقتی پدر و مادرتان به سن شما بودند، چه نگرانی‌هایی داشتند؟ فکر می‌کنید حالا چه نگرانی‌هایی داشته باشند؟

۱۹۲

اگر می‌توانستید برای هر شخص مشهوری که دلتان می‌خواهد با پست الکترونیکی نامه‌ای بفرستید و مطمئن بودید که نامهٔ شما را حتماً می‌خواند و به آن جواب می‌دهد، به چه کسی نامه می‌دادید و به او چه می‌گفتید؟

۱۹۳

اگر یکی از دوستان شما یک میهمانی می‌داد و شما را دعوت نمی‌کرد، چه می‌کردید؟

۱۹۴

اگر برای مدّت یک روز می‌توانستید هر کاری دلتان می‌خواهد بکنید و اصلاً تنبیه نشوید، آن روز چه کارهایی می‌کردید؟

۱۹۵

بهترین رؤیایی که در سر دارید کدام است؟

۱۹۶

اگر مشروط بر این‌که برای مدّت یک سال هیچ چیز نمی‌خوردید جز یک خمیر بی‌مزه و این شما را خیلی قوی‌تر و جذّاب‌تر می‌کرد، آیا حاضر بودید این‌کار را بکنید؟

۱۹۷

اگر یکی از دوستانتان هدیه‌ای به شما می‌داد که آن را دوست نداشتید، آیا وانمود می‌کردید هدیه‌اش را دوست دارید؟

۱۹۸

اگر می‌توانستید یک تجربهٔ فوق‌العادهٔ جدید کسب کنید، یا صاحب یک وسیلهٔ فوق‌العادهٔ جدید بشوید، کدام را می‌خواستید؟ چرا؟

۱۹۹

بزرگترین شکست زندگی شما چه بود؟

۲۰۰

احمقانه‌ترین قوانینی که پدر و مادرتان در رابطه با این‌که شما چه کارهایی را باید بکنید و چه کارهایی را نباید بکنید دارند، کدام‌ها هستند؟ چه چیزِ این قوانین این‌قدر احمقانه است؟

۲۰۱

آیا دلتان می‌خواست در کلاستان از نظر قد جزو بچه‌های متوسط باشید یا ترجیح می‌دادید از همهٔ شاگردها بلندتر باشید؟

۲۰۲

چند سال پیش از چه چیزی می‌ترسیدید که حالا دیگر در آن مورد مشکلی ندارید و آن مسئله اذیّتتان نمی‌کند؟

۲۰۳

فکر می‌کنید اگر می‌مردید خانواده‌تان بیشتر از همه دلشان برای چه خصوصیت شما تنگ می‌شد؟ اگر آن‌ها می‌مردند دل شما بیشتر از همه برای چه خصوصیت آن‌ها تنگ می‌شد؟

۲۰۴

آیا شما به خدا اعتقاد دارید؟ اگر ندارید، فکر می‌کنید چرا این‌همه آدم به خدا اعتقاد دارند؟

۲۰۵

بهترین چیزی که می‌تواند برای شما اتّفاق بیفتد چیست؟ بدترین چیز چه‌طور؟

۲۰۶

اگر معلم شما و مادرتان بعدازظهری را با هم در مورد شما حرف بزنند، آیا دلتان می‌خواهد یواشکی به حرف‌های آن‌ها گوش بدهید؟ فکر می‌کنید در مورد شما چه حرف‌هایی بزنند؟

۲۰۷

اگر می‌توانستید در یک آیینهٔ جادویی خیره شوید و دقیقاً ببینید در هر نقطهٔ دنیا چه اتفاقی در حال رخ دادن است، شما کجا را نگاه می‌کردید و فکر می‌کنید چه چیزی را می‌دیدید؟

۲۰۸

اگر دوست‌های پدر و مادر شما غذایی برای شما آماده کرده بودند که به‌شدّت بدمزه بود و نظرتان را در مورد آن غذا می‌پرسیدند، چه جوابی به آن‌ها می‌دادید؟ فکر می‌کنید پدر و مادر شما دلشان می‌خواست جواب شما چه باشد؟

۲۰۹

آیا تا به‌حال آرزوی مرگ کسانی را کرده‌اید یا آرزو کرده‌اید که اتّفاقات بدی برای آن‌ها بیفتد؟ اگر کرده‌اید، در مورد چه کسی و چرا؟

۲۱۰

آیا ترجیح می‌دهید در یکی از کلاس‌های مدرسه مردود شوید و آن را دوباره بخوانید یا مقدار زیادی وزن اضافه کنید؟

۲۱۱

آیا تابه‌جال دیده‌اید که پدر یا مادر شما گریه کنند؟ اگر ندیده‌اید، فکر می‌کنید با دیدن گریهٔ آن‌ها چه احساسی پیدا خواهید کرد؟

۲۱۲

بهترین دوست شما چه کسی است؟ بدترین خصوصیتی که او دارد چیست؟

۲۱۳

در مورد خودتان از چه چیزی بیشتر از همه بدتان می‌آید؟ آیا فکر می‌کنید دیگران هم به اندازهٔ شما به آن چیز اهمیّت می‌دهند؟

۲۱۴

وقتی شما و دوستانتان می‌خواهید با هم بازی کنید، آیا ترجیح می‌دهید همه در منزل شما دور هم جمع شوید یا در منزل آن‌ها؟ چرا؟

۲۱۵

اگر می‌توانستید نگاهی به آینده بیندازید امّا نمی‌توانستید چیزی را تغییر بدهید، آیا این‌کار را می‌کردید؟

۲۱۶

اگر قرار بود نکته‌ای به والدین خود بگویید، در مورد این‌که چه‌طور پدر و مادر بهتری باشند، به آن‌ها چه می‌گفتید؟

۲۱۷

اگر می‌توانستید دیگر به مدرسه نروید، آیا این کار را می‌کردید؟ بدترین چیزی که در مورد مدرسه وجود دارد چیست؟ بهترین چیز چه‌طور؟

۲۱۸

اگر می‌توانستید خودتان مقدار پول توجیبی‌تان را تعیین کنید، چه بودجه‌ای برای این کار در نظر می‌گرفتید؟ به چه دلیل این مقدار را انتخاب می‌کردید؟

۲۱۹

ترجیح می‌دهید لباس خیس شنای خود را در یک رختکن شلوغ عوض کنید، یا یک ساعت صبر می‌کنید و آن را در منزل عوض می‌کنید؟

۲۲۰

شجاعانه‌ترین کاری که تا به‌حال انجام داده‌اید کدام است؟

۲۲۱

فکر می‌کنید پدر یا مادر بودن، کار خیلی جالب و لذّت‌بخشی است؟ اگر این‌طور است، فکر می‌کنید بهترین چیز در رابطه با آن چیست؟ اگر این‌طور نیست، فکر می‌کنید پس مردم چرا بچه‌دار می‌شوند؟

۲۲۲

اگر برای پدر و مادر شما اتفاقی می‌افتاد و مجبور می‌شدید برای مدّت دو سال، پیش شخص دیگری بروید و با او زندگی کنید، دلتان می‌خواست این مدت را پیش چه کسی بمانید؟

۲۲۳

بیشتر دوست داشتید قانون و مقرراتی در دنیا وجود نداشته باشد، یا ترجیح می‌دادید قانون و مقررات وضع شده توسط شما در زندگی حکمفرما باشد؟ اگر هیچ قانون و مقرراتی وجود نداشت، چه کارهایی را متفاوت از آن‌چه حالا می‌کنید انجام می‌دادید؟

۲۲۴

اگر قرار بود سنّی را برای مدت عمر خود انتخاب کنید و می‌دانستید که سنّ شما از آن بالاتر نخواهد رفت، چه سنّی را انتخاب می‌کردید؟

۲۲۵

اگر چیزی از فروشگاه می‌خریدید و صندوقدار بابت باقی‌ماندهٔ پولتان یک دلار اضافه به شما پس می‌داد، آیا در این مورد چیزی به او می‌گفتید؟

۲۲۶

فکر می‌کنید مردم چه کارهایی را فقط برای سرگرمی انجام می‌دهند؟ شما برای این‌که فقط وقت بگذرانید چه کار می‌کنید؟

۲۲۷

چه چیزی در مورد خانوادهٔ شما هست که می‌ترسید دوستانتان آن را بفهمند؟

۲۲۸

آیا سؤالی هست که بترسید آن را از کسی بپرسید چون نمی‌دانید ممکن است چه جوابی به شما بدهد؟

۲۲۹

اگر معلّمی می‌خواست بفهمد که شما درواقع چه فکری می‌کنید و چه احساسی دارید، بهترین راه برای این‌که بتواند شما را به حرف زدن تشویق کند چه بود؟

۲۳۰

اگر همه فکر می‌کردند که دو سال کوچکتر از سن واقعی خودتان هستید، این چه احساسی به شما می‌داد؟ اگر فکر می‌کردند که دو سال بزرگتر هستید چه‌طور؟

۲۳۱

اگر قدّ شما هفت یا هشت سانتیمتر بلندتر بود چه تغییری در زندگیتان حاصل می‌شد؟ اگر قدتان هفت یا هشت سانتیمتر کوتاه‌تر بود چه‌طور؟

۲۳۲

اگر مادر یکی از دوستان شما در حادثهٔ رانندگی می‌مُرد، برای آرام کردن دوستتان به او چه می‌گفتید و چه کار می‌کردید؟ آیا در مورد مرگ و مردن چیزی داشتید که به او بگویید، اگر داشتید، آن چیز چه بود؟

۲۳۳

آیا کسی در مورد شما کاری کرده که به‌نظرتان خیلی بد باشد و هنوز هم دوست داشته باشید تلافی آن کار را سرش دربیاورید؟ بلایی که دلتان می‌خواهد سر او بیاورید چیست؟

۲۳۴

آیا از این‌که پیش دوستانتان گریه کنید، خجالت می‌کشید؟ پیش پدرتان چه‌طور؟ نزد خواهر کوچکترتان چه‌طور؟ درصورتی‌که خجالت می‌کشید، گریه کردن پیش کدام‌یک برای شما از همه سخت‌تر است؟ چرا؟

۲۳۵

اگر بتوانید برای سال آینده به هر مدرسه‌ای که دلتان می‌خواهد بروید، آیا دوست دارید مدرسه‌تان را عوض کنید؟ اگر دوست دارید، فکر می‌کنید آن‌جا از چه جهاتی بهتر است؟

۲۳۶

فرض کنید قرصی به شما می‌دهند و کاربرد این قرص آن است که مشخص می‌کند آیا شما راست می‌گویید یا دروغ. سپس از شما می‌خواهند افراد خانواده‌تان را توصیف کنید. حال در مورد آن‌ها چه می‌گویید؟

۲۳۷

آیا دلتان می‌خواست برادری داشته باشید که از همه جهت بهترین باشد ــ مهربان، باهوش، خوب و موفق و صمیمی و نزدیک به شما ــ در صورتی‌که می‌دانستید داشتن چنین برادری بدین‌معناست که تمام توجه اطرافیان به او جلب می‌شود و هیچ توجّهی به شما نمی‌کنند؟

۲۳۸

اگر پول زیادی در اختیار داشتید و برای خرج کردن آن آزاد بودید، با آن پول چه می‌کردید؟

۲۳۹

اگر ۱۰۰۰ دلار به شما داده می‌شد تا برای کمک به دیگران مصرف کنید، آن را چگونه و در چه کاری صرف می‌کردید؟

۲۴۰

کدام یک از کارهایی که پدر و مادرتان می‌کنند بیشتر از همه باعث خجالت شما می‌شود؟

۲۴۱

اگر یکی از افراد خانوادهٔ شما به‌شدّت بیمار می‌شد و مجبور بود مدّت زیادی را در بیمارستان سپری کند، فکر می‌کنید چه تغییری در وضع زندگی شما به‌وجود می‌آمد؟

۲۴۲

چه چیزی اعصاب شما را واقعاً خط خطی می‌کند؟

۲۴۳

یکی از بهترین کلک‌های شما برای جلب توجّه پدر و مادرتان چیست؟ برای این‌که توجّه دوستانتان را جلب کنید، دست به چه ترفندی می‌زنید؟

۲۴۴

در مورد کدام یک از کشورهای خارجی بیش از همه تعریف شنیده‌اید؟ فکر می‌کنید بزرگ شدن در آن مملکت چه حال و هوایی داشته باشد؟

۲۴۵

این روزها خیلی چیزهای ترسناک در دنیا وجود دارد. کدام یک از آن‌ها شما را بیشتر از همه نگران می‌کند؟ اگر ترس‌های شما شکل واقعیت به خود بگیرند چه می‌کنید؟

۲۴۶

اگر بچه‌ای مرتکب کار اشتباهی بشود، شما بیشتر مایل هستید این موضوع را به یک شخص بزرگتر بگویید، آن را نادیده بگیرید و به‌روی خودتان نیاورید، یا این‌که سعی می‌کنید خودتان مسئله را حل کنید؟ برای نمونه، اگر کسی را در حال دزدی کردن می‌دیدید، آیا این موضوع را به یکی از معلّم‌ها می‌گفتید؟ اگر بچهٔ بزرگی توی غذای شما تف می‌کرد چه‌طور؟

۲۴۷

آیا ترجیح می‌دادید لاغر و ورزشکار امّا تا حدودی کندذهن و دیرفهم باشید، یا چاق و خپل امّا بسیار باهوش؟

۲۴۸

بدترین واقعه‌ای که شما سبب بروز آن شدید، کدام است؟ آیا بیشتر از آن مقدار که دیگران از دستتان عصبانی بودند از دست خود عصبانی بودید، یا وضع کاملاً برعکس این بود؟

۲۴۹

آیا بیشتر دوست داشتید هدیه‌ای را که واقعاً دلتان می‌خواست دریافت کنید، یا ترجیح می‌دادید هدیه‌ای را که برای مادرتان خیلی خیلی ارزش دارد به او بدهید؟

۲۵۰

اگر می‌دانستید درصورتی‌که هرگز هله هوله یا آب‌نبات و شکلات نخورید، به‌جای هفتاد و پنج سال، هشتاد و پنج سال عمر خواهید کرد، آیا حاضر بودید از خوردن چنین چیزهایی صرفنظر کنید؟

۲۵۱

اگر یک دوربین ضبط کننده به اندازهٔ یک سکّه داشتید که می‌توانست از طریق یک دستگاه کنترل از راه دور به‌پرواز درآید و برای شما جاسوسی کند، آیا کسی یا چیزی بود که بخواهید زاغ‌سیاهش را چوب بزنید؟ اگر بود، چه کسی و چه چیزی؟

۲۵۲

اگر از همین حالا می‌توانستید تصمیم بگیرید وقتی بزرگ شدید می‌خواهید سیگار بکشید یا نه، چه تصمیمی می‌گرفتید؟ فکر می‌کنید اگر خلاف این عمل می‌کردید در زندگی شما چه تغییری به وجود می‌آمد؟

۲۵۳

ترسناک‌ترین چیزی که در یک فیلم یا بازی ویدیویی دیده‌اید چه بوده است؟ آیا دلتان می‌خواست پدر و مادرتان نمی‌گذاشتند شما آن را ببینید؟ یا این‌که دلتان می‌خواست چیزی را که از آن هم ترسناک‌تر بود می‌دیدید؟

۲۵۴

آیا تا به‌حال پیش آمده شما و دوستانتان سربه‌سر کسی بگذارید و آن‌قدر مسخره‌اش کنید تا به گریه بیفتد؟ اگر پیش آمده، چرا و به چه دلیل این کار را کرده‌اید؟ آیا از این کارتان لذّت برده‌اید؟

۲۵۵

اگر حیوان خانگی شما نیاز به یک عمل جراحی پرهزینه داشت و شما فقط در صورتی می‌توانستید آن را پرداخت کنید که حاضر می‌شدید از خیر هدایای کریسمس و تولد خود برای دو سال بگذرید، آیا این کار را می‌کردید؟

۲۵۶

آخرین باری که از شدّت خنده اشک‌هایتان درآمد، کِی بود؟ اگر می‌توانستید فیلم خنده‌داری ببینید که برای مدّت دو ساعت شما را تا این اندازه به خنده وادارد، آیا حاضر به تماشای آن فیلم بودید؟

۲۵۷

مضحک‌ترین داستانی که تا به‌حال از خودتان ساخته‌اید برای این‌که بگویید چرا نتوانستید تکالیف خود را به‌موقع انجام بدهید، چه بوده است؟ آیا کسی هم واقعاً حرف شما را باور کرد؟

۲۵۸

اگر این نیرو را داشتید که یک نفر را انتخاب کنید تا برای همیشه بتوانید ذهن او را بخوانید، چه کسی را برای این منظور انتخاب می‌کردید؟

۲۵۹

مهم‌ترین درسی که طی چند سال اخیر در مورد زندگی آموخته‌اید چیست؟ شما این درس را چگونه و از چه راهی آموختید؟

۲۶۰

در رابطه با روش ادارهٔ خانوادهٔ شما چه چیزی از همه غیرمنصفانه‌تر است؟

۲۶۱

اگر با نوشیدن یک شربت جادویی طوری می‌شد که هر اتفاقی می‌افتاد شما دیگر هرگز احساس ناراحتی نمی‌کردید، آیا حاضر بودید از آن شربت بنوشید؟

۲۶۲

این‌طور در نظر بگیرید که همین حالا باید شغلی را انتخاب کنید که در بزرگی می‌خواهید داشته باشید. بهترین شغلی که به‌نظرتان می‌رسد کدام است؟ بدترین شغل چه‌طور؟

۲۶۳

اگر می‌توانستید برای مدت یک ساعت هر سؤالی را که دلتان می‌خواست از پدر و مادر خود بپرسید و می‌دانستید که آن‌ها حقیقت را کاملاً صاف و پوست‌کنده به شما می‌گویند، از آن‌ها چه می‌پرسیدید؟

نشرقطره منتشر کرده است:

کتاب پرسش‌ها

گریگوری استاک

شهره عبداللهی (قراچه‌داغی)